

گونه‌شناسی سنت‌های سوگواری در عصر جاهلی

نجمه صالحی^۱

چکیده

سوگواری و عزاداری رسمی است که از گذشته تا کنون در زندگی اجتماعی بشر بوده و بخشی از آداب و رسوم جوامع و اقوام به آن اختصاص یافته است. شناخت و تبیین آیین‌های سوگواری عصر جاهلی، گامی در راستای آگاهی به زمینه صدور برخی احکام اسلامی مرتبط با سوگواری و معیاری برای شناخت سنت‌ها و شیوه‌های نادرست آن است که گاه تا پس از ظهور اسلام نیز استمرار یافته است. به همین منظور در این نوشتار، با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر داده‌های اسنادی-کتابخانه‌ای، مواجهه با مصیبت، در دو گونه سوگواری عمومی و گزارش‌های سوگواری شیوخ قبایل عصر جاهلی بررسی شد. براساس یافته‌های پژوهش، برخی از رفتارها مانند نیاحه و آسیب زدن به بدن و نظیر آن، با وجود اینکه ممکن است در لحظه مصیبت، رنج مصیبت‌دیدگان را بکاهد، اما در برخی موارد خرافاتی و مذموم است.

واژگان کلیدی: سنت‌های عزاداری، عصر جاهلی، سوگواری در جاهلیت، نیاحه، رثا.

۱. دانش‌آموخته سطح سه رشته تاریخ اسلام جامعة الزهراء (ع)، مدرس مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی و دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران؛ na.salehi1981@gmail.com

مقدمه

سوگواری، به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های آداب و رسوم اجتماعی، فرایند مواجهه و واکنش با پدیده مرگ است؛ تجربه ناخواسته و ناگزیری که هر فرد، در طول عمرش با آن مواجه خواهد شد. سوگواری، از جمله رسم‌هایی است که از دیرباز در میان اقوام، فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف، از جمله اعراب پیش از اسلام، رواج داشته و اجرا می‌شده است و با شیوه‌های گوناگون، به ابراز غم فقدان عزیز خویش، مبادرت می‌ورزیدند. به دلیل اینکه برخی از این رسوم، از دوره جاهلیت به دوره ظهور اسلام تسری یافته‌اند، بازشناخت آنها تا حدودی می‌تواند فضای حاکم بر جامعه صدر اسلام را ترسیم کند.

در جستجوی صورت‌گرفته، اثری مرتبط با مسئله پژوهش حاضر یافت نشد و در آثار یافت شده، تنها برخی از سنت‌های مرتبط با مرگ در دوره جاهلی اشاره رفته است. مواردی از این آثار عبارتند از:

- مقاله «نمود مراحل روان‌شناختی مرگ در دل سروده‌های مادران عصر جاهلی و اسلامی»، وصال میمنندی و فاطمه جمشیدی، نشریه ادب عربی، پاییز ۱۳۹۱، شماره ۳؛ به تبیین مراحل روان‌شناسی سوگ پرداخته و درون‌مایه‌های سوگ سروده‌ها را از لحاظ روان‌شناختی، بررسی کرده است. این مقاله همچنین به رابطه بین ادبیات آن زمان و روان‌شناسی تأکید دارد و شرایط مرگ (زمان، مکان و جنسیت) را در مرثیه و رثا مؤثر دانسته است. به عبارتی، به بخشی از سوگواری عصر جاهلی اشاره کرده و محتوای ادبی سروده‌ها را کاویده است.

- کتاب «الحیاء و الموت فی الشعر الجاهلی»، مصطفی عبداللطیف جیاووک، ۱۹۳۲م، بیروت: انتشارات دارالفکر؛ به تاریخ و نقد شعر عربی پیش از اسلام، زندگی در ادبیات و مقوله مرگ در شعر جاهلی می‌پردازد.

- مقاله «تحول سنت ثار در تاریخ اجتماعی عصر جاهلیت»، عیسی عبدی و سجاد دادفر، نشریه تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ششم، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره ۱؛ به موضوع اخذ خون بها پرداخته است که به نوعی، از رسوم سوگواری در عصر جاهلی به شمار می‌رود.

- مقاله «شکل‌گیری مرثیه در عصر جاهلی و آغاز دوره اسلامی»، محمود آبدانان مهدی‌زاده و مجتبی بهروزی، نشریه زبان و ادب فارسی، سال پنجاهم، ۱۳۸۶؛ به کنکاش درباره موضوع مرثیه‌سرایی، انواع آن و مرثیه‌سرایان پرداخته است.

- مقاله «مرگ و زندگی در شعر شاعران عربی»، لیلا قاسمی حاجی‌آبادی، دانشنامه، شماره ۴، بهار ۱۳۹۰؛ تا حدودی به همین مسئله پرداخته و ضمن واکاوی دیدگاه شاعران عرب‌زبان از دوره جاهلی تا کنون، تصویر زندگی و مرگ را در آثار آنان بررسی کرده است.

در این میان، نوشتار حاضر تلاش دارد آداب و مراسم سوگواری در عصر جاهلیت را بررسی کند و اثری کاربردی درباره آیین‌ها و مراسم سوگواری عصر جاهلی، به جامعه علمی در حوزه تاریخ قبل از اسلام تقدیم نماید. بر این اساس، پژوهش حاضر، رسوم جاهلی در حیطه عزاداری را واکاوی می‌کند؛ لذا سؤال اصلی تحقیق این است که: آداب و رسوم سوگواری در عصر جاهلی چگونه بوده است؟ برای پاسخ به این سؤال، ابتدا سوگواری و برخی از واژه‌های هم‌معنی آن، مفهوم‌شناسی می‌شود و سپس در دو بخش آداب سوگ، انواع آداب و رسوم سوگواری عمومی و گزارش‌هایی از آداب و رسوم شیوخ قبایل، تنظیم خواهد شد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. سوگ و سوگواری

سوگ به معنی مصیبت، اندوه، غم، ماتم (دهخدا، ۱۳۷۷، ر.ک: سوگ) و عزاء (عمید، ۱۳۷۹، ص ۷۶۵) آمده است. سوگوار نیز به معنی مصیبت‌زده، صاحب‌ماتم (دهخدا، ۱۳۷۷، ر.ک: سوگوار)، ماتم‌دار، عزادار، غمگین، سوگ‌دار، سوگ‌زده و سوگی (عمید، ۱۳۷۹، ص ۷۶۵) آمده است. سوگواری به معنی ماتم‌داری و عزاداری (همان) در واقع، ابراز حزنی درونی است که به دنبال وقوع مصیبتی بروز پیدا می‌کند و حاکی از احساسات درونی انسان است که گاه با گریستن و مرثیه‌سرایی و نظایر آن التیام می‌یابد.

۱- ۲. واژه‌های هم‌معنی سوگواری

«عزاء»، به صبر و شکیبایی بر هر چیزی گفته می‌شود که از بین رفته باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۴). عزاء در فارسی، به معنی سوگ و ماتم و مصیبت آمده است (عمید، ۱۳۷۹، ص ۸۶۳). «ناحه»، به معنی گریه و شیون زن بر مرده یا بلند ناله کردن (ابن دُرید، ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۵۷۵) و در مقابل هم قرار گرفتن دو چیز نیز آمده است؛ لذا برابر هم نشستن بانوان شیون‌کننده در سوگواری را «نوح» و به مجلس سوگ آنان، «مناحه» گفته می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۶۷). «النوائح»، به زنانی می‌گویند که برای عزاداری در مکانی دور هم جمع می‌شوند (فراهیدی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۰۴). «النیاحه» نیز شیون زن بر مرده و ناله و شیون است (بستانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۹۲۲). همچنین «رثاء»، بیان کردن ویژگی‌های خوب میت در قالب شعر، همراه با گریه را رثاء یا مرثیه گویند. (همان، ۱۴، ص ۳۰۹)

مجموع اصطلاحات فوق، درباره مفهوم عزاداری کاربرد دارد و با توجه به اینکه در مراسم سوگ، به صاحبان مصیبت تسلی داده می‌شود، به نظر می‌رسد سوگواری را می‌توان انجام اموری دانست که در راستای تسلی خاطر و آرامش بخشیدن به مصیبت‌دیده و آرزوی صبر و تحمل برای آنها است.

۱- ۳. عصر جاهلی

جهل، مقابل علم است و معنی مخالف آن، خالی بودن نفس و خاطر انسان از علم و دانایی (فراهیدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۹) و گاه به معنای پرخاشگری، شدت در عمل، ستم کردن به دیگران، عدم بردباری و... آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۱۲۹). جهل و مشتقات آن، بارها در لغت عرب و قرآن کریم استفاده شده است. عبارت جاهلیت، یکی از مشتقات جهل، عنوانی است که در قرآن به دوران قبل از اسلام و کردار و منش متداول در آن عصر اطلاق شده و با چهار شاخصه ظن الجاهلیه (آل عمران: ۱۵۴)، حمیه الجاهلیه (فتح: ۲۶)، حکم الجاهلیه (مائده: ۵۰) و تبرج الجاهلیه (احزاب: ۳۳) معرفی گردیده است.

مفهوم واژه جاهلیت، دارای تفسیرهای مختلفی است و آن را از زوایای گوناگونی تبیین کرده‌اند: قرآن کریم، دوران پیش از ظهور اسلام را از آن جهت که علم و دین، حاکمیت

نداشته، عصر جاهلی نامیده است (ضیف، ۱۹۶۰، ص ۴۷). عرب در آن عصر [عصر جاهلی] بت می‌پرستیدند و با یکدیگر به نزاع می‌پرداختند... گاهی دختران خود را زنده به گور می‌کردند و شراب می‌نوشیدند... جاهلیت از جهلی گرفته شده است که در برابر حلم است، نه جهلی که متضاد علم... است (فروخ عمر، ۱۹۸۴، ج ۱، ص ۷۳). با توجه به آثار پژوهشگران (ر.ک: شعبان‌پور و بشارتی، ۱۳۹۴، ص ۷-۲۷)، به نظر می‌رسد محققان در دوره زمانی آغاز عصر جاهلی، اتفاق نظر ندارند، اما پایان آن را ظهور اسلام و بعثت رسول الله ﷺ می‌دانند.

۲. انواع آداب و رسوم عمومی

آداب و رسوم، یکی از مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی است و نقش مهمی در شناخت زیست اجتماعی یک جامعه دارد. مراسم آیینی را می‌توان نوع خاصی از گفتار و اعمال منظم دانست که از آموزه‌های دینی سرچشمه گرفته است و یا برای بیان احساسات دینی و مذهبی نیز به کار گرفته می‌شود. آداب و رسوم، به دلیل قدمت زیادی که دارد، در بیشتر موارد، با سنت و تاریخ اجتماعی مردم یک منطقه، پیوند خورده و جزئی از فرهنگ روزانه و انکارناپذیر مردم به مثابه شناسنامه و هویت آن جامعه شده است. افزون بر تأثیر و اهمیت جامعه‌شناختی، مناسک و مراسم، نقش مهم و مؤثری در تسلی خاطر افراد دارند. از کهن‌ترین دوران تاریخ، تا جوامع پیشرفته امروزی، جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که خالی از آداب و مراسم باشد.

در عصر جاهلی نیز آداب و رسوم مختلفی رواج داشت که برخی از آنها بین عموم مردم متداول بود و افراد قبیله نیز خود را ملزم به رعایت این رسوم می‌دانستند. به دلیل اینکه بارزترین خصوصیت عرب، به‌ویژه در عصر جاهلی، نظام قبیله‌ای بود و «در نظام قبیله‌ای دوره جاهلی، فردیت فرد در کلیت قبیله مستحیل بود» (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۸، ص ۱۶۱)، تمام معیارها و افتخارات آنها، بر اساس انتساب به قبیله بود. همچنین قبیله در واقع، نوعی دولت کوچک در صحرا به شمار می‌رفت که همه ارکان یک دولت، به جز سرزمین محدود و ثابت را در اختیار داشت (سالم، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۳۶۰) و آداب و رسوم عمومی افراد قبایل، دارای اهمیت بود. از جمله این آداب، مراسم سوگواری افراد قبایل بود و در این بخش، در قالب گریستن، گریبان چاک دادن و پریشان کردن مو و نیاچه‌گری، سنت رثا، اسعاد و نماز بر میت، تبیین می‌شود.

۲-۱. گریستن و گریبان چاک دادن و پریشان کردن موها

از امور شایع در عموم عزاداری‌ها، گریستن است و مصیبت دیده‌ها، بر فقدان عزیزشان می‌گریستند. در روایتی که ام‌ایمن^۱ راوی آن است، گریستن از اموری معرفی شده که در زمان عزاداری و برای نمایان کردن غم و اندوه استفاده شده است و به عصر و زمان خاص و یا گروه و عشیره‌ای خاص تعلق ندارد. در این روایت آمده است که رسول خدا ﷺ در ایام کودکی (عصر جاهلی)، درحالی که می‌گریست، به دنبال تابوت عبدالمطلب حرکت می‌کرد (مجلسی، بی تا، ج ۱۵، ص ۱۶۲). بنابراین، حداقل واکنش سوگواران در غم از دست دادن عزیزان، گریستن است و این روایت، از جمله شواهد تاریخی گریستن، به عنوان شایع‌ترین شیوه سوگواری در عصر جاهلی است. در رسم سوگواری عصر جاهلی، ابراز غم و اندوه با گریبان چاک دادن و پریشان کردن موها نیز امری رایج بود. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۸)

۲-۲. رثا

رثا، گریستن بر میت، ابراز اندوه بر فقدان عزیزی از دست رفته، اظهار تأسف از مرگ او و برشمردن نیکی‌های او به سبک شعر است (بشری، بی تا، ص ۲۰). طبق نظریکی از نویسندگان، سه نوع رثا در ادبیات عرب وجود دارد: رثای عاطفی یا ندب، تأیین و عزا (ضیف، ۱۹۶۰، ص ۵) در گزارشی تاریخی آمده است خنساء^۲ برای تسلی خود، در عزای برادرش شعر سرود.^۳ همچنین ام‌حکیم بنت قارظ^۴ در سوگ از دست دادن فرزندانش، شعری در رثایشان سرود. (میرد، ۱۹۹۶، ص ۴۶)

۲-۳. اسعاد

رسم اسعاد در عهد جاهلیت، به معنی پیوستن به عزاداری و نوحه و کمک به عزاداران است. به عبارتی اگر زنی سوگوار بود، زنان همسایه می‌آمدند و او را در سوگواری و نوحه خوانی همراهی و کمک می‌کردند و این عمل را اسعاد می‌نامیدند (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۴۳). به نظر

۱. صحابی و راوی حدیث و کنیزی اهل حبشه است. (طبرانی، بی تا، ج ۲۵، ص ۸۶)

۲. شناخته‌شده‌ترین شاعر زن در ادبیات عرب از قبیله بنو سلیم است که بیشتر عمرش را در دوره جاهلی زیست. (زرکلی،

۱۹۸۰، ج ۲، ص ۸۶)

۳. و لولا کثرة الباکین حولی / علی اخوانهم لقتلت نفسی. (یستانی، ۱۴۰۴، ص ۸۴-۸۵)

۴. منسوب به قبیله «بنی حارث بن کعب» و همسر «عبیدالله بن عباس». (مسعودی، ۱۹۶۵، ج ۳، ص ۳۱)

می‌رسد این رفتار پس از ظهور اسلام، نفی نشده و به عنوان عملی است که در کاهش اندوه مصیبت دیدگان، موثر بوده است.

۲-۴. نیاچه‌گری

نیاچه‌گری یا نوحه‌خوانی نیز از رسوم جاهلی بود که پس از درگذشت کسی، نیاچه می‌کردند و جرم‌هایش مثل قتل و... را برمی‌شمردند (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۹، ص ۱۰۸). در واقع، این نوع عملکرد در نزد مردم جاهلی، جرم‌گویی به شمار نمی‌رفت؛ بلکه برای آنها، به عنوان بیان شجاعت شخص محسوب می‌شده است. این امر پس از بعثت رسول خدا ﷺ، مردود اعلام شد و آن حضرت در این زمینه فرمودند: «اگر مسلمان به هنگام مصیبت، با دست خویش بر ران خود بکوبد، مزدش نابود می‌شود» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۲۲۴-۲۲۵). به نظر می‌رسد این عمل، رسمی برای نشان دادن بی‌صبری عزادار بوده و از این جهت نهی گردیده که صبر بر مصیبت، مطلوب‌تر و یکی از سه نوع صبر به شمار می‌رود که در آموزه‌های روایی وارد شده است (همان، ج ۲، ص ۹۰) و موجب افزایش درجات معنوی فرد مصیبت دیده می‌شود.

همچنین رسول خدا ﷺ درباره نهی از نوحه‌خوانی به رسم جاهلی فرمودند: «نوحه‌خوانی از کارهای دوران جاهلیت است» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۷۶ و حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۷۲). به نظر می‌رسد چون خونریزی و رفتارهای غیرانسانی میت، از جمله تفاخرهای بازماندگان بوده؛ لذا این نوع نوحه‌خوانی عصر جاهلی، از نظر اسلام باطل شمرده شده است.^۱ به عبارتی، آن نیاچه و نوحه‌سرایی مذموم است که جزع و فزع یا بی‌تابی، اعتراض به مقدرات الهی باشد و گرنه مرثیه‌سرایی در غم فقدان عزیزان، بدون اعتراض به تقدیر الهی، رفتاری برای کاهش حزن و اندوه است.^۲

۱. آنگاه که سوگواری، جنبه «هویتی و قبیله‌ای» به خود گرفته و از آن برای تفاخر و تکاثر استفاده می‌شد، به شدت با آن مبارزه شد. به عبارت دیگر، گریه در عزاداری ساختگی و نمایشی منع شد. در این دسته از روایات، که بیشتر در آنها، واژه «نوحه و نیاچه» آمده است، گویی با مناسکی خاص مبارزه می‌شود و نه با تحریک عواطف و احساساتی که در سطح جهانی وجود دارد.

۲. نکته‌ای در مورد گریه و نوحه بر مصائب اهل بیت ﷺ، به ویژه شهادت و مصائب ابی‌عبدالله ﷺ و یارانش اینکه این نوع ندبه، نه فقط اعتراض بر مقدرات الهی نیست؛ بلکه در راستای خواست، رضا و دستور خداوند بر زنده نگهداشتن یاد امام حسین ﷺ و قیام اوست. این اشک و گریه، اعتراض بر ظالم و تقویت روح ظلم‌ستیزی است. لذا امام رضا ﷺ در روایت

با توجه به روایات، نیاچه نوعی سوگواری بر مصیبت بوده که به آسیب و آزار جسم منتهی می شده و به همین دلیل نهی گردیده است. نهی از این نوع عزاداری، حتی یکی از شروط رسول خدا ﷺ برای بیعت با زنان بود. به عبارتی ایشان دستور دادند زنان، نوحه و مویه به شکل دوره جاهلیت را ترک کنند. در گزارشی آمده است: زنی برای بیعت، به حضور رسول خدا ﷺ آمد. آن حضرت آیه ای از قرآن برای زن تلاوت کردند و فرمودند: «و در کار پسندیده، تو را نافرمانی نکنند». ایشان افزود یعنی مویه گری نکنی. آن زن گفت: ای رسول خدا! يك زن در این باره با من همکاری کرده است. پیامبر ﷺ از پاسخ دادن خودداری فرمود. آن زن دو یا سه بار دیگر گفته خود را تکرار کرد و ایشان اجازه نفرمود و در نهایت، آن زن موضوع را پذیرفت و رسول خدا ﷺ بیعت او را قبول فرمود. این گزارش، نشان از آن دارد که پیامبر اکرم ﷺ برخلاف برخی اموری که از سنت جاهلی تأیید کرده و آن را تجویز نموده اند، بر رد نوحه گری اصرار داشتند^۱ (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۵). لازم به ذکر است که رسول خدا ﷺ آنان را از فریاد زدن بر حذر داشت، ولی از گریه منع نفرمود (همان، ج ۱، ص ۱۱۴). با توجه به مطالب مذکور، نیاچه در عصر جاهلی، شامل آسیب به بدن، مویه کردن و فریاد زدن بود که از نظر اسلام مردود است.^۲

۲-۵. نماز بر میت

از دیگر آداب و رسوم عصر جاهلی، نماز بر میت است؛ چنان که عرب جاهلی بر امواتشان نماز می خواندند. آنها مرده را بر تختی حمل می کردند... و برایش طلب رحمت می نمودند... سپس او را به خاک می سپردند (جواد علی، ۱۹۸۴، ج ۶، ص ۳۳۸). با توجه به این

صحیح السند ریان بن شبیب، در توصیف عظمت مصیبت و شدت عزاداری اهل بیت ﷺ فرمود: «إن يوم الحسين أفرح جفوننا، وأسبل دموعنا، وأذل عزیزنا بأرض کرب وبلاء، أوثنتنا الکرب والبلاء إلى يوم الانتضاء، فعلی مثل الحسین فلیبک الباکون، فإن البکاء یحط الذنوب العظام» (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۹۹). امام معصوم ﷺ در این روایت، به استمرار گریه بر مصائب ابا عبدالله ﷺ توصیه می کند.

۱. این نوحه گری، به دلیل آسیب رساندن به بدن، با مخالفت رسول خدا ﷺ روبه رو شد. از آن سو، ایشان با نوحه گری به شکل تسلی مصیبت زده در میان زنان انصار که در جریان جنگ های صدر اسلام مرسوم بود، مخالفتی نکرده اند.

۲. البته باید دانست نوحه سرایی در صورتی که همراه با باطل یا دروغ نباشد، جایز است و در غیر این صورت، اشکال دارد. بر این اساس، مواردی مانند گریه و نوحه گری حضرت فاطمه ﷺ بر فقدان پدر بزرگوارشان، پیامبر خدا ﷺ، گویای این واقعیت است که ندبه و نوحه سرایی بر کسانی که دارای ویژگی هایی برجسته اند، مانعی ندارد؛ بلکه مستحب است تا در پرتو این مجالس عزاء، فضایل و خوبی های آنان نشر یابد و دیگران سرمشق و الگو بگیرند. (نجفی، بی تا، ج ۴، ص ۳۶۴)

مطلب، نماز خواندن بر میت، از جمله رسومی است که پس از ظهور اسلام، در شمار احکام امضایی قرار گرفت.

۳. گزارش‌هایی از انواع آداب و رسوم شیوخ قبایل

در عصر جاهلی، ریاست هر قبیله با شیخی بود که از میان خود آنان انتخاب می‌شد و او را رئیس، شیخ، امیر یا سید قبیله می‌نامیدند. بر این اساس، امور قبیله به دست او اداره می‌گردید و تصمیمات مختلف مانند اعلان جنگ و صلح و... به عهده او بود (سعد زغلول، بی‌تا، ص ۳۰۷). به عبارتی شیخ قبیله، نقش مهمی در میان هم‌عشیره‌ای‌های خود داشت و مورد احترام بود. از این رو، مرثیه‌سرایی، سنت جوار به آرامگاه شیخ قبیله و دفن اموال و شتر پس از مرگ او، از جمله آدابی بود که برای شیوخ قبیله بروز بیشتری داشت و گزارش‌هایی از آن ثبت شده است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

۳-۱. مرثیه‌سرایی

برخی از نویسندگان معتقد هستند که قریش از فصیح‌ترین قبایل عرب به شمار می‌روند. از جمله دلایلی که به آن استناد می‌کنند بازار عکاظ و نقش آن در نقد و تهذیب زبان عرب است (جواد علی، ۱۹۸۴، ج ۸، ص ۶۶۰). شعرا در این بازار گرد هم می‌آمدند و به شعرخوانی و نقد و نظر می‌پرداختند. شعر و شاعر در عصر جاهلی به حدی اهمیت داشت که حتی آن را بر شمشیر و جنگجو ترجیح می‌دادند؛ زیرا شاعران را زبان قبیله می‌دانستند و در جنگ‌ها با سرودن رجزها، در تحریک جنگاوران و جنگ روانی برای تضعیف دشمن مؤثر بود و شعر به مثابه رسانه اجتماعی آنان به شمار می‌رفت. به عبارتی، «شاعر در جاهلیت، مقامی برتر و بالاتر از خطیب داشت؛ چراکه مردم به او در یادآوری ایام و ذکر مآثرشان محتاج‌تر بودند. شاعر بود که شأن قبیله را بالاتر برده و دشمن را از رویارویی با آن قبیله به هراس می‌انداخت» (جاحظ، ۱۹۰۸، ص ۸۳). سرودن شعر در عصر جاهلی، در زمینه‌های مختلفی روی می‌داد که یکی از آنها، شعر یا مرثیه‌سرایی در زمان مرگ افراد بود و شعرسرایی برای درگذشت رئیس و بزرگ قبیله نیز گزارش شده است. نمونه‌ای از گزارش مرثیه‌سرایی برای شیوخ قبیله در عصر

جاهلی، هنگامی است که هاشم، رئیس بنی هاشم از قبیله قریش، از دنیا رفت و فرزندانش اشعار زیادی در رثای او سرودند.

خالده، دختر هاشم، پدر خود را با این اشعار رثا گفته است: خبر دهنده مرگ، خبر مرگ بهترین کسی را که بر زمین گام می نهاد داد. مردی که دارای کرامت و کردارهای پسندیده بود. سرور و مهتر جوانمرد و خردمند که تصمیم او استوار و خود نیرومند و پناه مردم بود. کسی که مایه آرایش قبیله بود و در همه حال، چه در فراخی و چه در قحطی، بهار مردم بود. خبر مرگ کسی را داد که دارای مکارم و بخشندگی و علو مقام بود و او عمرو بن عبدمناف است، پاک‌ترین فرزند قبیله لؤی که از همگان پاک‌تر بود. در شام میان سنگلاخ‌ها خفته است. تا هنگامی که زنده باشم با صدای بلند بر او می‌گیرم که من به مصیبت مرد بخشش و فضیلت گرفتار شدم، و همانا من مصیبت زده شدم به مرگ مهتر و سالار بنی فهر که در همه کارها سرور و مهتر بود. (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۸)

در گزارشی دیگر، عبدالمطلب در زمان احتضار، از دخترانش می‌خواهد همان لحظه سوگواری کنند تا قبل از وفات مشاهده کند (همان، ص ۹۴) و عاتکه دختر ایشان، در رثای پدر مرثیه می‌سراید.^۱ به نظر می‌رسد سوگواری برای عبدالمطلب، به عنوان رئیس قبیله بنی هاشم، چنان با اهمیت بوده است که تمایل داشت نحوه عزاداری و نحوه خوانی عزیزانش را پیش از وفات ببیند.

۳-۲. سنت ثار

ثار به معنی خونخواهی ولی دم و ولی میت و انتقام جویی و خونخواهی ممتد و مستمر است. معمولاً پیگیری این موضوع، به عهده شیخ قبیله بود و گاه در برخی از مواقع، شیخ قبیله برای گرفتن انتقام و آگاهی از قاتل، به یکی از اعضای قبیله مأموریت می‌داد تا برای ردیابی عامل قتل به درون قبیله قاتل بروند. به عنوان نمونه، در جریان یوم (جنگ) رَحْرَحان^۲

۱. أَعْنِي جُودًا وَلَا تَبْخَلًا بَدْمَعُكُمَا بَعْدَ نَوْمِ النَّيَامِ / أَعْنِي وَاسْتَحْفَرًا وَاسْكَبًا وَشَوْبًا بِكَاءٍ كَمَا بَالْتَدَامِ / عَلَى شَيْبَةِ الْحَمْدِ وَالْمَكْرَمَاتِ وَ مَرْدِي الْمَخَاصِمِ يَوْمَ الْخِصَامِ. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۸۶)

۲. رَحْرَحان که از ایام العرب و یوم جاهلی است، کوه یا زمینی نزدیک عکاظ است که در آن، دو جنگ رخ داد: نخست بین بنی دارم و بنی عامر بن صعصعه و دیگری میان تمیم و بنی عامر. (حموی، ۱۹۷۷، ج ۴، ص ۴۷۰ و ابن عبدربه، ۱۹۵۳، ج ۳، ص ۳۵۶)

که بین قبیله بنی عامر و قبیله بنی دارم روی داد، پسر شیخ قبیله قیس بن عیلان به نام زهیر بن جذیمه بن رواحه عبسی کشته شد؛ لذا وی برای شناسایی قاتل، جاسوسانی به قبیله قاتل فرستاد. (ابن اثیر، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۳۹-۶۴۰)

عرب جاهلی معتقد بود تا زمانی که قاتل قصاص نشود، روح مقتول در جهان ظلمانی سیر می‌کند و پرنده‌ای شبیه جغد به نام «هامه» بر گرد قبرش ناله می‌کند و می‌گوید اسقونی! اسقونی! (شهرستانی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۲۴۶). از جمله افرادی که به رسم سنت ثار انتقام گرفت، امرؤ القیس کندی^۱ بود. وی تا هنگامی که انتقام خون پدرش را از قبیله بنی‌أسد نگرفته بود، شستن سر و نوشیدن خمر را بر خودش حرام کرده بود (جواد علی، ۱۹۸۴، ج ۴، ص ۴۰۰)

در گزارش‌های تاریخی آمده است پس از جنگ بدر، سران مشرک مکه، بازماندگان کشتگان بدر را از عزاداری نهی کردند تا کینه‌شان از مسلمانان آرام نگیرد؛ درحالی‌که در همین زمان، زنی در فقدان شتر گمشده خود، نوحه سرایی می‌کرد و چون این مسئله در میان آنان، امری عادی بود، کسی متعرض او نمی‌شد (قاضی ابرقوه، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۵۸۹ و واقدی، ۱۳۶۹، ص ۸۹). به نظر می‌رسد در دوره جاهلی، افزون بر انسان و بزرگان جامعه، مرثیه خواندن، برای حیوانات نیز متداول بوده است. با توجه به سخنان پیش گفته، به نظر می‌رسد این نوع سرکوب عزاداری، برای استمرار رسم نادرست و شعله‌ورتر شدن آتش انتقام و خونخواهی از سوی مشرکان در نظر گرفته شده و نشان‌دهنده جهان‌بینی عرب دوره جاهلی است که در اثر مستقلى نیاز به کاوش دارد. در این تفکر، وضعیت بشر پس از مرگ، به صورت یک باور، بر رفتار آنان تأثیر می‌گذاشت و بازماندگان متوفی را به اقدامی برای آرامش روح میت ترغیب می‌کرد. بر مبنای این تفکر و اعتقاد، شخصی که کشته شده بود (مقتول)، روحی ناآرام دارد و تا زمانی که قصاص در مورد قاتل انجام نمی‌شد، روح میت، آزاد و آرام نمی‌شد؛ لذا اقدام به انتقام‌جویی می‌کردند تا روح ناآرام مقتول به آرامش برسد. در اشعار زهیر بن ابی سلمی، شخصی به نام هَرم بن سَنان المُرّی الذُبّیانی (امیر بنی‌ذبیان)، مورد ستایش قرار می‌گیرد؛ زیرا وی بین قبایل ذبیان و عبس، پیمان صلح منعقد کرد و مانع خونریزی میان آنها و نوادگانش شد و عطش انتقام‌جویی مستمر را خشکاند. (آیتی، ۱۳۸۴، ص ۴۹)

۱. متوفی سال ۵۴۰ م، شاعر عصر جاهلی و صاحب قصیده لامیه.

البته به نظر می‌رسد خود سنت ثار،^۱ مشکلی ندارد، بلکه نوع اجرای آن باید اصلاح شود؛ همچنان‌که در دوران جاهلی، عبدالمطلب، جد پیامبر ﷺ، با نحوه اجرای سنت ثار به شیوه جاهلی مبارزه می‌کرد و زمینه جبران را با پرداخت جریمه فراهم آورد. بر این اساس، وی با پیشنهاد پرداخت صد شتر به جای دیه قتل، سعی در زدودن اجرای این سنت غلط داشت. (ابن هشام، ۱۹۷۱، ص ۱۳۷-۱۴۰ و ابن اثیر، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۵)

۳-۳. جوار به قبر شیوخ

جوار در لغت به معنای عهد و امان و در اصطلاح، پناهندگی به شخص، قبیله‌ای و یا رئیس قبیله که در آن، یک شخص، از شخص یا قبیله دیگر، تقاضای پناهندگی کند و طرف مقابل نیز بپذیرد (زریاب خویی، ۱۳۷۶، ص ۲۴). در واقع جوار، عهد و پیمان میان پناه‌دهنده (مجیر) و پناهنده (مستجیر) بود که شخص مستأصل و پناهنده، به انسانی قوی پناه می‌برد؛ به این معنی که شخص مستجیر، نزد بزرگ یا شیخ قبیله می‌رفت و تقاضای پناهندگی می‌کرد و شیخ قبیله، این جوار را اعلام می‌نمود.

با توجه به گزارش‌های تاریخی، در موضوع جوار، حتی زنده بودن مجیر (شیخ قبیله)، ضروری نبود و مستجیر می‌توانست در جوار قبر شیخ قبیله نیز پناهنده شود و صاحبان قبر (وراث)، به احترام شیخ قبیله، در قبال مستجیر مسئول بودند.

در گزارشی آمده است که عامر بن طفیل، رئیس قبیله بنی عامر، به حق جوار مشهور بود و قبیله‌اش حتی پس از مرگش، محدوده‌ای مشخص کرده بودند که جوار او به همان وسعت دوران زنده بودنش باشد و هر کس در محدوده قبر او پناه بگیرد، در امان باشد. (جواد علی، ۱۹۸۴، ج ۷، ص ۳۶۵)

سنت جوار در عصر جاهلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و از سنت‌های مورد تأیید پس از ظهور اسلام است که در قرآن به آن اشاره شده است^۲ (توبه: ۶). رسول خدا ﷺ نیز در

۱. البته ثارالله در فرهنگ شیعه، در شمار عناوین مقدس است که در زیارت امام حسین ﷺ به آن اشاره می‌شود: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا قَتِيلَ اللَّهِ وَابْنَ قَتِيلَةِ السَّلَامِ عَلَیْكَ يَا كَاذِبَ اللَّهِ وَابْنَ كَاذِبِهِ». این تعبیر، اشاره به خون خدا بودن دارد و چون صحبت از خون انسانی عادی نیست، خداوند از این خون، حمایت می‌کند و انتقام خواهد گرفت.
۲. «وَأَن أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَاجْعَلْهُ».

آغاز بعثت، از این سنت استفاده کردند و زمانی که از سفر طائف بازمی‌گشتند، برای در امان ماندن از آزار دشمنان، در جوار مُطِعم بن عدی^۱ از اشراف طایفه بنی نوفل از قبیله قریش، به مکه وارد شدند (ابن هشام، ۱۹۷۱، ص ۳۴۷ و طبری، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۴۱)

۳- ۴. حبس البلیا

یکی از شیوه‌های مقدماتی سوگواری، رعایت آداب دفن میت و نحوه احترام به آن است که به نوعی، رفتار بازماندگان را نسبت به میت آشکار می‌کند. در عصر جاهلی برای تدفین، کارهایی نظیر «حبس البلیا» مرسوم بود. بر این اساس، گزارش شده است هنگامی که بزرگ قبیله و صاحب منصب و شرف از اعراب درمی‌گذشت، در کنار قبر او، گودالی را حفر و شتری را در آن حبس می‌کردند تا از گرسنگی و تشنگی بمیرد؛ زیرا اعتقاد داشتند میت در روز حشر، سوار آن می‌شود و پیاده و بدون وسیله نمی‌ماند (یوسفی غروی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۲۲). به نظر می‌رسد خرافاتی‌ترین آداب دفن و ادای احترام به میت، این مورد است. در واقع، عرب دوره جاهلی، چنان در گرفتاری‌هایی دست و پا بسته افتاده بود که خلاصی از آن، رهایی از غل و زنجیر جاهلیت است؛ به گونه‌ای که قرآن کریم نیز یکی از اهداف رسالت پیامبر اکرم ﷺ را رها شدن از این موانع می‌داند و می‌فرماید: «همان‌ها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امی» پیروی می‌کنند پیامبری که ... آنها را به معروف دستور می‌دهد و از منکر باز می‌دارد و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردنشان) برمی‌دارد....»^۲ (اعراف: ۷)

نتیجه‌گیری

سوگواری، از جمله مراسم و آداب کهنی است که در میان اقوام، فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف اجرا می‌شده و در میان عرب پیش از اسلام نیز رواج داشته است و با استفاده از شیوه‌های گوناگون، به ابراز غم فقدان عزیز خویش، مبادرت می‌ورزیدند.

۱. ریاست قبیله و طایفه‌اش را در جنگ‌های فجار عصر جاهلی به عهده داشت. (ابن حبیب، ۱۴۲۱م، ص ۱۷۰)
 ۲. «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ... وَيَصْخُ عَنْهُمْ إِصْرُهُمْ وَالْأَغْلَالُ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...»

شیوه‌های خاصی که اعراب برای ابراز غم و اندوه خود بهره می‌بردند، مانند کندن موهای سر و یا گریبان چاک زدن و دفن شتر و اموال و نظایر آن همراه با میت، حاکی از آن است که اعراب جاهلی در مراسم سوگ، چه بسا حد و مرزی قائل نبودند و حتی برای شیوخ قبیله، اعمال خرافی بیشتری انجام می‌دادند. شیوه عزاداری در آن دوره و در میان عرب جاهلی، به صورتی مفصل و دارای جزئیات بوده است. محتوای این نوشتار، به دو گونه انواع آداب و رسوم عمومی و گزارش‌هایی از انواع آداب و رسوم شیوخ قبایل تقسیم شد. همچنین نقل‌هایی در مورد مرثیه‌سرایی، سنت ثار، جوار به قبور شیوخ و حبس البلایا ذکر شد و به برخی خرافات در مراسم سوگواری، نظیر هامه اشاره گردید.

نکته مورد توجه آنکه گاه این آداب، تا زمان همه‌گیری گرایش به اسلام در میان اعراب وجود داشت که برخی توسط پیامبر ﷺ امضاء و فراگیر شد. همچنین برخی از این رسوم توسط حضرت، نفی گردید و از چهارچوب رفتاری مسلمانان حذف شد. البته واکاوی مبانی و جهان‌بینی سوگواری عصر جاهلی در مقایسه با اسلام و سایر آداب و رسوم عصر جاهلی و نحوه تسری برخی از این رسوم در احکام اسلامی ورد و تعدیل آن، نیازمند پژوهش‌های دیگری است و در این مجال، تنها به گونه‌شناسی یکی از آداب عصر جاهلی پرداخته شد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، ۱۴۱۷ق، الكامل فی التاريخ، بیروت: دار الکتب العربی.
۲. ابن دُرید، ابی بکر محمد بن حسن، ۱۹۸۷م، جمهره اللغة، تحقیق: رمزی منیر بعلبکی، بیروت: دار العلم للملایین.
۳. ابن سعد، ۱۳۷۴ش، الطبقات الکبری، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر فرهنگ اندیشه.
۴. ابن حبیب، ابو جعفر محمد بن حبیب بن امیه بن عمرو هاشمی بغدادی، ۱۴۲۱ق، المجبر، قاهره: دار الغد العربی.
۵. ابن فارس، ابوالحسن احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، تصحیح: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۶. ابن عبدربه، احمد بن محمد، ۱۹۵۳م، العقد الفرید، تصحیح: محمد سعید العریان، مصر، قاهره: المکتبة التجاریة الکبری.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، تصحیح: جمال الدین میردامادی، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۸. ابن هشام، عبدالملک بن هشام بن حمیرى المعافری، ۱۹۷۱م، السیره النبویه لابن هشام، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۹. آیتی، عبدالمحمد (مترجم)، ۱۳۸۴ش، معلقات سبع (قصاید هفتگانه مشهور عرب جاهلی)، تهران: انتشارات سروش.
۱۰. بستانی، فؤاد افرام، ۱۳۷۵ش، فرهنگ ابجدی، ترجمه: رضا مهیار، تهران: انتشارات اسلامی.
۱۱. بستانی، کرم، ۱۴۰۴ق، دیوان الخنساء، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۲. بشری علی، الخطیب، بی تا، الرثاء فی الشعر الجاهلی و صدر الاسلام، بغداد: مکتبه الاداب جامعه بغداد.
۱۳. بلاذری، أحمد بن یحیی، ۱۴۱۷ق، انساب الأشراف، تحقیق: عبدالعزیز الدوری، بیروت: جمعیه المستشرقین الألمانية.
۱۴. جاحظ، ابوعثمان، ۱۹۰۸م، البیان و التبیان، قاهره: دار الکتب القاهره.
۱۵. حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: موسسه آل البيت (ع).
۱۶. حموی، یاقوت، ۱۹۷۷م، معجم البلدان، بیروت: دار صادر.
۱۷. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷ش، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات روزنه.
۱۸. زرکلی، خیرالدین بن محمود بن محمد، ۱۹۸۰م، الاعلام، بیروت: دار العلم للملایین.
۱۹. زرگری نژاد، غلامحسین، ۱۳۷۸ش، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران: انتشارات سمت.
۲۰. زریاب خویی، عباس، ۱۳۷۶ش، سیره رسول الله ﷺ از آغاز تا هجرت، تهران: انتشارات سروش.
۲۱. زغلول سعد، عبدالحمید، بی تا، تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت: دار النهضة العربیه.
۲۲. سالم، عبدالعزیز، ۱۳۸۸، تاریخ العرب قبل الاسلام، قاهره: موسسه الشباب الجامعه اسکندریه.

۲۳. شعبان پور، محمد و بشارتی، زهرا، ۱۳۹۴ ش، «مؤلفه‌های قرآنی فرهنگ جاهلیت و مصادیق آن در جوامع مدرن»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش ۱۹، ص ۷-۲۷.
۲۴. شهرستانی، عبدالکریم، ۱۳۶۴ ش، الملل و النحل، تصحیح: محمد بن فتح‌الله، قم: انتشارات شریف رضی.
۲۵. شوقی، ضیف، ۱۹۶۰ م، تاریخ الادب العربی (العصر الجاهلی)، قاهره: دار المعارف.
۲۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۰۴ ق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۷. _____، ۱۴۱۳ ق، من لایحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۸. طبرانی، سلیمان بن احمد، بی تا، المعجم الکبیر، تصحیح: حمدی عبدالمجید السلفی، قاهره: مکتبه ابن تیمیة.
۲۹. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۷۸ ش، تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک)، ترجمه: محمد روشن، تهران: انتشارات سروش.
۳۰. علی، جواد، ۱۹۸۴ م، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت: دار العلم للملایین.
۳۱. عمید، حسن، ۱۳۷۹ ش، فرهنگ عمید، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، بی تا، العین، قم: هجرت.
۳۳. فروخ عمر، ۱۹۸۴ م، تاریخ الجاهلیه (تاریخ الادب العربی)، بیروت: دار العلم للملایین.
۳۴. قاضی ابرقوه، اسحاق بن محمد همدانی، ۱۳۷۷ ش، سیرت رسول خدا صلی الله علیه و آله، تحقیق: اصغر مهدوی، تهران: نشر خوارزمی.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۳۶۳ ش، اصول کافی، ترجمه: جواد مصطفوی، تهران: انتشارات علمیه اسلامیه.
۳۶. مبرد، محمد بن یزید، ۱۹۹۶ م، الکامل فی اللغة و الادب، تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دار الفكر العربی.
۳۷. مجلسی، محمدباقر، بی تا، بحار الانوار، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۸. مسعودی، علی بن الحسین، ۱۹۶۵ م، مروج الذهب و معادن الجواهر، تصحیح: شارل پلا، بیروت: منشورات الجامعة اللبنانیة.
۳۹. نجفی، محمدحسن، بی تا، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۰. واقدی، محمد بن عمر، ۱۳۶۹ ش، المغازی (تاریخ جنگ‌های پیامبر صلی الله علیه و آله)، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۴۱. یوسفی غروی، محمدهادی، ۱۳۸۲ ش، تاریخ تحقیقی اسلام، ترجمه: حسینعلی عربی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.